



## سازماندهی دانش از دیدگاه حوزه عمومی هابرماس

### عاطفه مرادی\*

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۵

### چکیده

**هدف:** بررسی نقش سازماندهی دانش به عنوان یک حوزه مطالعاتی در جامعه و رابطه آن با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. در پژوهش حاضر از نظریه حوزه عمومی هابرماس یکی از نظریه‌های مطرح علوم اجتماعی استفاده شده است تا مشخص گردد که سازماندهی اسناد و مدارک تابعی از ساختارهای اجتماعی هستند، از آن تاثیر می‌گیرند و خود نیز می‌توانند بر ساختارهای سازماندهی اجتماعی تاثیرگذار باشند.

**روش:** پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و روش انجام آن تحلیل کیفی است.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد سازماندهی دانش یک فعالیت اجتماعی است که از طریق انتخاب، دسترسی و ساماندهی اسناد و مدارک حوزه‌های مختلف در پی ایجاد فضایی از آثار مکتوب است تا در آن گفتگو و تبادل ایده شکل گرفته تا نوعی اجماع عقیده عقلانی یا خرد جمعی شکل گیرد که در آن همه ادعاها از حوزه‌های مختلف از طریق گفت‌وگو عقلانی مورد نقد، قبول و یا رد قرار بگیرد. سازماندهی دانش می‌تواند در عینیت یافتن و بازنمون حوزه عمومی نقش داشته باشد. سازماندهی دانش متأثر از ساختارهای سامان‌دهنده جامعه و حوزه عمومی است و خود نیز می‌تواند بر آن تاثیرگذار باشد.

**ارزش/اصالت:** پژوهش حاضر جزو اولین مقاله‌هایی است که سازماندهی دانش را از بعد اجتماعی و بر اساس یک نظریه اجتماعی بررسی نموده است. این پژوهش می‌تواند گام نخست برای معرفی سازماندهی به عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل که دارای بنیادهای نظری خاص خود است، در نظر گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** سازماندهی دانش، هابرماس

### مقدمه:

سازماندهی از مهمترین اهداف و کارکردهای علم اطلاعات و دانش‌شناسی است و هدف آن فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای سهولت دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف با توجه به نیازها، شرایط و فناوری‌های زمانی است. سازماندهی موثر؛ بازیابی

موثر منابع اطلاعاتی را برای کاربران در پی خواهد داشت. جس شرا<sup>۱</sup> (۱۳۸۲) معتقد است که کتابدار زمانی می‌تواند مهارت کافی را در سازماندهی و بازیابی کسب نماید که شناخت کاملی از دانش و نقشی که دانش در جامعه ایفا می‌کند و راه‌هایی که افراد یک جامعه به شناخت و کسب دانش می‌پردازند را بدانند. با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که در سازماندهی عواملی همانند منابع اطلاعاتی، فعالیت‌ها و مهارت‌های لازم جهت طبقه‌بندی منابع، کاربر، جامعه و ساختارهای اجتماعی که کاربر در آن قرار دارد، دخیل هستند و با یکدیگر رابطه دارند. چنانچه بخواهیم رابطه بین سازماندهی، کاربر و جامعه را بررسی کنیم و رابطه بین فعالیت‌های سازماندهی دانش و ساختارهای اجتماعی را در طول تحولات تاریخی مشخص کنیم باید ابتدا جامعه و ساختارهای آن را بشناسیم تا متوجه شویم که جامعه چگونه متحول شده و چه رابطه‌ای بین این تحولات و ارتباطات اجتماعی و سازماندهی دانش وجود دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر این است سازماندهی انجام گرفته در کتابخانه‌ها تا چه اندازه تحت تاثیر سازماندهی اجتماعی است بدان معنی که آیا روش‌های سازماندهی دانش از جمله رده‌بندی‌ها با ساختارهای اجتماعی یک جامعه و سازماندهی آن رابطه دارد؟ آیا سازماندهی متون و محتوی اسناد از ساختار اجتماعی تاثیر پذیرفته و به آن تاثیر می‌گذارد؟ با بررسی سازماندهی دانش از منظرهای مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که سازماندهی دانش را می‌توان علاوه بر تسهیل دسترسی به متون و منابع از دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و نظری بررسی نمود؟ آیا سازماندهی دانش به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم علم اطلاعات خود می‌تواند یک رشته و حوزه مطالعاتی باشد؟

با پاسخگویی به سوال‌های فوق سازماندهی دانش از یک فعالیت عملی که تحت تاثیر فناوری است، خارج شده و می‌توان آن را به عنوان یک حوزه مطالعاتی و کاربردی در جامعه معرفی نمود و تعریفی از آن ارائه کرد.

### سازماندهی دانش:

یورلند (Hjørland, 2008) دو تعریف عام و خاص از سازماندهی دانش ارائه می‌دهد. وی معنای خاص سازماندهی دانش را فعالیت‌هایی همانند توصیف متن، رده‌بندی و نمایه‌سازی می‌داند که در کتابخانه‌ها، موزه‌ها، پایگاه‌های کتابشناختی توسط کتابداران، موزه‌داران، متخصصان اطلاعات، متخصصان موضوعی و در برخی موارد متخصصان رایانه‌ای توسط الگوریتم‌های رایانه‌ای انجام می‌شود. از دیدگاه یورلند علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مرکز این تعریف خاص از سازماندهی دانش قرار می‌گیرد. معنای عام وی از سازماندهی دانش مربوط به بخش اجتماعی و شناختی فعالیت ذهنی است. معنای عام سازماندهی دانش این است که دانش چگونه در اجتماع سازماندهی می‌شود، واقعیت‌های اجتماعی چگونه ساماندهی و سازماندهی می‌گردند. از تعریف فوق می‌توان اینگونه برداشت نمود که:

- سازماندهی دانش در علم اطلاعات و دانش‌شناسی در پی ساماندهی به اسناد و مدارک از طریق روش‌های مختلف برای تسهیل بازیابی آنان در نظام‌های اطلاعاتی است. در این تعریف به جنبه عملی این حوزه تاکید دارد و اهمیت شناخت جامعه و ساختارهای اجتماعی را نیز یکی از عوامل مهم جهت تقویت جنبه‌های فنی و عملی سازماندهی دانش عنوان می‌کنند.
- دو تعریف عام و خاص مطرح گردید و این نشان می‌دهد که دانش هم مانند هنر، دین و تاریخ یکی از مقوله‌های مهم برای مشخص نمودن فعالیت انسانی در جامعه مدرن است (Harris, 2005) و چنانچه بخواهیم سازماندهی را از یک فعالیت صرفاً فنی و عملی که در حال حاضر در علم اطلاعات و دانش‌شناسی مطرح است خارج کنیم و آن را به عنوان یک زمینه مطالعاتی معرفی نماییم، لازم است که دو تعریف (عام و خاص گفته شده یا مفهومی و اجتماعی) تبیین شده و تمایز بین آنها مشخص گردد تا نظریه سازماندهی دانش شکل گیرد.

<sup>1</sup> Jesse Shera

نظریه حوزه‌ی عمومی<sup>۱</sup>:

حوزه‌ی عمومی<sup>۲</sup> از جمله مفاهیم اساسی در اندیشه یورگن هابرماس<sup>۳</sup>، فیلسوف و جامعه‌شناس برجسته معاصر آلمانی، است. وی در سال ۱۹۶۲ کتابی با عنوان "تحول ساختاری در حوزه عمومی"<sup>۴</sup> منتشر کرد. در این کتاب او از منظری تاریخی به بحث درباره حوزه عمومی می‌پردازد و به عوامل و زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن اشاره می‌نماید (علیخواه، ۱۳۷۸).

هابرماس خود حوزه عمومی را اینگونه تعریف می‌کند:

"منظور از حوزه عمومی، قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن هر عاملی که بتواند افکار عمومی را به هم نزدیک سازد مجال شکل‌گیری می‌یابد. بخشی از حوزه عمومی در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصاً مردم می‌آیند تا جمعی تشکیل دهند، شکل می‌گیرد. شهروندان هنگامی که فارغ از فشار با هم به گفتگو می‌پردازند به مثابه یک جمع عمومی ظاهر می‌شوند" (Habermas, 1989).

هابرماس در حوزه عمومی، نقشی مؤثر برای رسانه‌های گروهی در رشد و تقویت حوزه عمومی در مراحل اولیه قائل است. روزنامه‌ها، نشریات، رادیو، تلویزیون، سینما، ویدیو، ماهواره‌ها، شبکه‌های اینترنت و رایانه به‌مثابه مهم‌ترین ابزارهای بازتولید احیای حوزه عمومی هستند. وی حوزه عمومی را بخشی از زندگی اجتماعی معرفی می‌کند و شکل‌گیری افکار عمومی را در آن حوزه تأکید می‌نماید. یورگن هابرماس حوزه عمومی را حلقه مفقوده جامعه مدرن می‌داند که می‌تواند دولت را از اقتدار و نسخه‌پیچی مدرن بازدارد (خانیک؛ الوندی، ۱۳۸۹).

هابرماس حوزه عمومی را یک عرصه اجتماعی ذکر می‌کند که باید سه شرط اصلی را داشته باشد:

- ۱- بحث‌ها باید براساس تبادل ایده‌ها و توجیه‌ها باشند.
- ۲- مخاطبان بر شرایط خود تأثیر می‌گذارند و موضوعاتی را به صورت تعاملی بحث می‌کنند که مورد علاقه هر دو طرف باشد.
- ۳- بحث برای هر کسی آزاد است (Habermas, 1991)

از سه شرط فوق می‌توان به این نتیجه رسید که در حوزه عمومی، بحث و تبادل نظر مهم و غالب است که در آن شهروندان حوزه خصوصی گرد هم جمع می‌شوند تا درباره موضوعاتی که به آن علاقه دارند نه درباره موضوعاتی که به آنها دیکته می‌شود، صحبت کنند و افراد می‌توانند آزادانه بدون توجه به اینکه آنها چه کسانی هستند، چه دارند یا چه عقیده‌ای را دارند وارد بحث عمومی شوند و به بحث و تبادل نظر بپردازند و از این طریق خرد جمعی و افکار عمومی را بازنمایی می‌نمایند.

حوزه عمومی از محیط فیزیکی فراتر رفته و شبکه‌ای را فراهم می‌سازد که در آن افراد با بحث و تبادل نظر خرد جمعی را می‌سازند؛ موضوع مطالعه هابرماس نیز فردی است که دارای عقل انتقادی است که به کمک این عقل از کنترل نیروهای غیرعقلانی خارج شده و از حقوق خود در زمینه آزادی بیان، آزادی نشر و ... استفاده می‌کند حوزه عمومی حقیقی را اینگونه افراد تشکیل می‌دهند (یزدخواستی؛ عدلی پور؛ کیخانی، ۹۲).

### سازماندهی دانش و حوزه عمومی:

حوزه‌های عمومی در جامعه مدنی به وسیله فناوری و موسسات ارتباطی مانند کتابخانه‌ها، رسانه‌های گروهی و نشر تسهیل

<sup>1</sup> Public Sphere

<sup>۲</sup> گستره همگانی، عرصه عمومی و سپهر عمومی هم نامیده می‌شود و به عنوان اساس جامعه مدنی شناخته می‌شود.

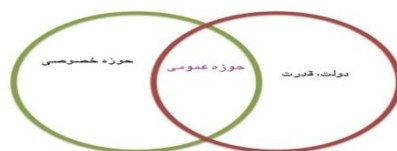
<sup>3</sup> Jürgen Habermas

<sup>4</sup> The Structural Transformation of the Public Sphere

شده‌اند. پژوهش‌های مختلفی از جمله (وبستر ۱۹۹۵؛ ویلیامسن ۲۰۰۰؛ مک کوک ۲۰۰۴؛ اندرسون ۲۰۰۶ و بیوسچمن ۲۰۱۳، ۲۰۰۵ نقل در) (Habermas, 1987) در رابطه با نقش کتابخانه و فعالیت‌های آن در زمینه حوزه عمومی انجام گرفته است. در بسیاری از این پژوهش‌ها کتابخانه‌ها به عنوان محلی برای بحث و تبادل نظر؛ ایجاد خردجمعی؛ مکانی برای ورود آزادانه به بحث معرفی شده‌اند. به عنوان نمونه؛ بیوسچمن (Buschman, 2003) کتابخانه عمومی را یک واسطه و میانجی که حوزه عمومی و خصوصی را به حوزه اجتماعی و سیاسی متصل می‌کند؛ معرفی می‌نماید.

اندرسون و اسکویچ (Andersen & Skouvig, 2006) حوزه عمومی را بر اساس فعالیت‌های مختلفی که در کتابخانه‌های عمومی انجام می‌شود، بررسی کردند. آنها سازماندهی را فعالیتی برای جداسازی اطلاعات و مشخص کردن این که چه چیزی می‌تواند و نمی‌تواند در حوزه عمومی منتقل شود، تعریف نمودند و آن را به عنوان یکی از نقش‌های حوزه عمومی توسط کتابخانه‌ها معرفی کردند.

هابرماس در نظریه حوزه عمومی؛ جهان زندگی را به دو سطح خصوصی و دولت (قدرت) تقسیم می‌کند. سطح خصوصی متشکل از افراد و اشخاص همانند خانواده، دوستان و همکاران است در این سطح روابط اجتماعی، دادوستد اقتصادی و نیروی کار قرار می‌گیرد. با تعامل دو سطح (خصوصی و دولت) حوزه عمومی شکل خواهد گرفت که شامل سیاست و جهان کلمات است (Habermas, 1987)



شکل شماره ۱: تشکیل حوزه عمومی از تعامل دو سطح خصوصی و دولتی

حوزه عمومی در جهان زندگی یا جامعه مدنی قرار گرفته و میانجی بین حوزه خصوصی و دولت است و کنش متقابل و ارتباطی بین این دو حوزه، حوزه عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. در نتیجه اطلاعات، دانش، تجارب و نمادهای حوزه‌های مختلف شامل حوزه اجتماعی، خانوادگی و دولت را به هم متصل می‌کند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازماندهی اجتماعی و سیاسی می‌تواند در این حوزه شکل گیرد و در حقیقت حوزه عمومی نقش سازمان دهنده فعالیت‌های مختلف حوزه‌های متفاوت را برعهده دارد.

دانش و تجارب حوزه‌های مختلف از طریق وسایل ارتباطی مختلف از جمله دفتر خاطرات، یادداشت‌ها، کتاب، روزنامه، نشریات شکل گرفته و مبادله می‌گردد. حوزه عمومی از طریق رسانه‌ها تجسم پیدا می‌کند و این نشان دهنده این مطلب است که رسانه‌های مختلف هستند که برخی فعالیت‌های اجتماعی را در جامعه شکل می‌دهند. همانگونه که در شکل زیر مشخص است حوزه‌های مختلف بایکدیگر در ارتباط بوده و برهم اثر می‌گذارند و حوزه عمومی نیز بر آنان تاثیرگذار است.

سازماندهی دانش، دانش حوزه‌های مختلف را ساماندهی می‌کند و ارتباط بین آنها را بازنمون می‌نماید در واقع سازماندهی دانش منعکس‌کننده‌ی اندیشه‌های هستان‌شناسانه است که به دانش حوزه‌های مختلف و به بیان دیگر جهان قابل مطالعه شکل می‌دهد. سازماندهی دانش متأثر از ساختارهای اجتماعی و سیاسی یک جامعه است. این ساختارها امکانات و محدودیت‌هایی را برای سازماندهی دانش در برخی سیستم‌های اطلاعاتی ایجاد می‌کنند. در حقیقت ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حوزه خصوصی افراد یک جامعه هستند که دانش را خلق می‌نمایند و پایه و اساس اولیه سازماندهی دانش را شکل می‌دهند. فعالیت‌هایی

مختلفی که در کتابخانه و سیستم‌های اطلاعاتی در زمینه سازماندهی دانش انجام می‌شود مرحله ثانویه سازماندهی یا مرحله فنی سازماندهی است. براساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت‌های سازماندهی دانش از جمله طرح‌های طبقه‌بندی و رده‌بندی کتابخانه‌ها متأثر از ساختارهای اجتماعی و ... هستند و گفتمان عمومی یک جامعه در حوزه‌های مختلف را نشان می‌دهند. انتخاب موضوع، مفاهیم، دسته‌بندی‌ها در یک نظام رده‌بندی ریشه در حوزه عمومی یک جامعه داشته و گفتمان آن جامعه را بازنمایی می‌کند. سازماندهی دانش در عینیت یافتن حوزه عمومی موثر، چرا که آنچه در متون مختلف ثبت می‌گردد نشان دهنده ساختارهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی است که از طریق طبقه‌بندی و سازمان دادن به آن‌ها در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. برخی از فعالیت‌های سازماندهی دانش که در علم اطلاعات و دانش‌شناسی انجام می‌شود مانند طرح‌های رده‌بندی از ساختارهای اجتماعی تاثیر می‌گیرند و در عینیت دادن به گفتمان عمومی جامعه موثر هستند. برای مثال اندرسون (۱۳۹۱) در پژوهش خود اشاره می‌کند که قبل از دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی موضوعات زیست-محیطی وارد گفتمان عمومی نشدند و در نتیجه این موضوعات در سیستم‌های طبقه‌بندی، اگر هم بحث شده باشند، مفصل بحث نشده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازماندهی بازنمونی از گفتمان موجود در حوزه عمومی است و با ثبت گفتمان‌های جاری جامعه در زمان‌های مختلف می‌تواند وسیله و ابزاری برای بررسی وضعیت تاریخی یک جامعه نیز باشد.

باتوجه به نکاتی که گفته شد، می‌توان به لزوم بومی سازی طرح‌های سازماندهی از جمله رده‌بندی در کتابخانه‌های عمومی تاکید نمود.

## روش:

پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و سندی و روش انجام آن تحلیل کیفی است. دلیل استفاده از نظریه حوزه عمومی این است که این نظریه متضمن امکان آگاهی یافتن از سازمان اجتماعی و ایدئولوژیکی اسناد و دانش در جامعه و بینش پیدا کردن نسبت به آن است و مهم‌تر اینکه فضایی برای تحلیل اجتماعی-تاریخی فراهم می‌کند (اندرسون<sup>۱</sup>، ۱۳۹۱) و می‌توان از طریق آن مرزهای سازماندهی دانش را گسترش و مرزهای آن را به حوزه عمومی انبساط داد.

## بحث و نتیجه‌گیری:

طبقه‌بندی و سازماندهی جزو نیازهای اولیه انسان جهت بازیابی معلومات خویش است. اساس بازیابی و استفاده موثر از دانسته‌ها را سازماندهی تشکیل می‌دهد. چگونگی سازماندهی به نوع نگرش فرد و در تنظیم طرح‌های طبقه‌بندی علوم به جهان‌بینی و نوع نگاه واضع آن که برگرفته از اجتماع و ساختارهای آن است، بستگی دارد. یکی از وظایف اصلی علم اطلاعات و دانش‌شناسی سازماندهی دانش است که اغلب به عنوان یک فعالیت عملی که در طول زمان و بر اساس تغییرات فناوری رشد و گسترش یافته، تعریف و کتابداران به عنوان واسطی بین منابع دانش و جامعه استفاده کننده از این منابع دانش معرفی می‌گردند. نتایج بررسی سازماندهی دانش بر اساس نظریه حوزه عمومی هابرماس نشان داد که:

اولاً بررسی سازماندهی از دیدگاه علوم دیگر از جمله علوم اجتماعی و استفاده از نظریه‌های مطرح در آن می‌تواند پژوهش‌های سازماندهی را تحت تاثیر قرار دهد و به آن عمق ببخشد و نشان دهد که سازماندهی یک فعالیت صرفاً فنی و عملی که در حال حاضر در علم اطلاعات و دانش‌شناسی مطرح است، نبوده بلکه می‌تواند به عنوان یک فعالیت فرهنگی و اجتماعی-انسانی در نظر گرفته شود. یک رشته نظری نزدیک نماید همانگونه که یورلند، (Hjørland) (2013) در پژوهش خود با عنوان "نظریه‌های سازماندهی دانش"، سازماندهی دانش را یک فراعلم که ارتباط زیادی با علوم مختلف داشته است، معرفی می‌کند و ارتباط آن را

<sup>1</sup> Anderson

به عنوان یک حوزه مطالعاتی با علوم دیگر از جمله فلسفه علم، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و ... اجتناب ناپذیر می‌داند. دوم اینکه، سازماندهی دانش به دلیل ارتباط با منابع دانش که حوزه‌های مختلف جهان زندگی افراد از جمله سیاست، اقتصاد، زندگی خصوصی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند، در عینیت یافتن این ساختارهای اجتماعی و در نتیجه بازنمون حوزه عمومی کمک کند. بنابراین لازم است که متخصصان این حوزه، علاوه بر مهارت‌های عملی برای آماده نمودن منابع و در اختیار قرار دادن آنها در سیستم‌های اطلاعاتی مهارت داشته باشند و هم شناخت کاملی از جامعه و ساختارهای اجتماعی آن داشته باشند. همچنانکه بسیاری از تلاش‌های اخیر حوزه سازماندهی نیز در راستای توجه به کاربر و نیازهای او و همچنین توجه به بافت اجتماعی و شناختی کاربر است.

سوم اینکه، فعالیت‌های سازماندهی دانش از جمله طرح‌های طبقه‌بندی و ... از حوزه عمومی یعنی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه تاثیر می‌گیرد و خود نیز می‌تواند بر این حوزه‌ها تاثیر گزار باشد چهارم اینکه، سازماندهی می‌تواند با ثبت طبقه‌بندی اسناد و مدارک موجود در طول زمان، سیر تاریخی یک جامعه را نیز بازنمایی نماید.

در پایان می‌توان کارکردهای سازماندهی را از دیدگاه نظریه حوزه عمومی هابرماس اینگونه تعریف نمود:

- سازماندهی دانش را می‌توان یک فعالیت اجتماعی دانست زیرا در آن افکار و عقاید صاحبان آثار مختلف آزادانه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با ارتباط برقرار کردن بین محتوی آثار و ارائه آن به مخاطبان در پی دستیابی به یک حوزه عمومی و در نتیجه ایجاد خرد جمعی و شکل‌گیری افکار عمومی است. همانگونه که رسانه‌ها در حوزه عمومی هابرماس در تشکیل خردجمعی نقش موثری دارند در سازماندهی نیز رسانه‌های مختلف در زمان‌های مختلف سازماندهی دانش را تسهیل و تکمیل کرده‌اند. این تعرف تا حدودی با رده‌بندی مردمی یا فولکسونومی در سازماندهی محتوی وب مشابه است که در آن کاربران مختلف با هر دانشی و با هر هدفی می‌تواند پدیدآورنده اطلاعات و داده‌ها باشد و آن را در محیط وب با دیگران به اشتراک بگذارد.

- سازماندهی دانش می‌تواند فضایی را برای خلق و یا توسعه حوزه عمومی ایجاد کند. به دلیل اینکه فعالیت‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود در ارتباط با متون و منابع اطلاعاتی است که عموماً ساختارهای اجتماعی و سیاسی تحت تاثیر آنها بوده و یا از آنها شکل گرفته‌اند. این حوزه، با قرار دادن محتوی‌های گوناگون می‌تواند نقش مهمی در تبادل ارا و نظرات و تشکیل خردجمعی داشته باشد و حتی با در کنار یکدیگر قرار دادن محتوی‌ها با ابزارها و الگوهای متنوع نقش موثری در تعیین علایق عمومی و گسترش آن داشته باشد.

- سازماندهی دانش یک فعالیت اجتماعی است که از طریق انتخاب، دسترسی و ساماندهی اسناد و مدارک حوزه‌های مختلف در پی ایجاد فضایی از آثار مکتوب است تا در آن گفتگو و تبادل ایده شکل گرفته تا نوعی اجماع عقیده عقلانی یا خرد جمعی شکل گیرد که در آن همه ادعاها از حوزه‌های مختلف از طریق گفتمان عقلانی مورد نقد، قبول و یا رد قرار بگیرد.

## منابع:

اندرسون، جک (۱۳۹۱). سازماندهی دانش: نقد و تحلیلی اجتماعی - تاریخی؛ بررسی نسبت طبقه بندی علوم و سازماندهی دانش با سازماندهی اجتماعی. ترجمه رحمان شریف‌زاده، سوره اندیشه، ۶۲ و ۶۳.

خانیک، هادی؛ الوندی، پدram (۱۳۸۹). رسانه‌های شهروندی و حوزه عمومی جایگزین. علوم اجتماعی، ۵۱.

شرا، جس (۱۳۸۲). شالوده معرفت شناختی علم کتابداری. ترجمه رحمت اله فتاحی، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۱.

فتاحی، سید رحمت‌الله (۱۳۹۱). مفهوم سازماندهی دانش: زمینه‌های مشترک و متفاوت با سازماندهی اطلاعات. بازیابی شده در ۴

شهریور ۱۳۹۴ از: <http://www.isko-iran.org/what-is-knowledge-oraganization/concep>

فدائی، غلامرضا (۱۳۹۰). چگونه طبقه‌بندی شکل می‌گیرد؟ تاثیر جهان‌بینی بر طبقه‌بندی علوم و تاثیر متقابل طبقه‌بندی علوم بر معرفت‌شناسی انسان. ماهنامه سوره، ۵۴ و ۵۵.

علیخواه، فردین (۱۳۷۸). کنش ارتباطی؛ بنیاد شکوفایی حوزه عمومی (اندیشه‌های یورگن هابرماس). اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۹ و ۱۴۰.

کفاشان، مجتبی؛ فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۹۰). نظام‌های نوین سازماندهی دانش: وب معنایی، هستی‌شناسی و ابزارهای سازماندهی دانش عینی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴ (۲).

یزدخواستی، بهجت؛ عدلی‌پور، صمد؛ کیخانی، الهام (۱۳۹۲). حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها). مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۴ (۲۱).

Andersen, J., & Skouvig, L. (2006). Knowledge organization: A sociohistorical analysis and critique. *The Library Quarterly*, 76(3), 300- 322.

Buschman, J. E. (2003). *Dismantling the public sphere: Situating and sustaining librarianship in the age of the new public philosophy*. Westport, CT: Libraries Unlimited

Habermas, J. (1991). *The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society*. (T. Burger and F. Lawrence, trans.; 1st MIT Press paperback ed.). Cambridge, MA: MIT Press.

Habermas, J. (1987). *The philosophical discourse of modernity: Twelve lectures*. (F. Lawrence, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press.

Habermas, J. (1989). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Cambridge: The MITP.

Harris, R. (2005). *The semantics of science*. London: Continuum International Publishing Group Ltd.

Hjørland, Birger (2013). Theories of knowledge organization: theories of knowledge. *Knowledge organization*, 40(3).

Hjørland, Birger (2008). What is Knowledge Organization (KO)? *Knowledge Organization*, 35(2, 3).